



حق تعیین سرنوشت فلسطین: ژئوپلیتیک مقاومت در برابر یکجانبه گرایی اسرائیل

مهدی حیدریان^۱، علیرضا محرابی^۲

۳۵

چکیده

این مقاله به بررسی تبیین ژئوپلیتیک جغرافیای مقاومت در خاورمیانه به ویژه در زمینه تضادهای میان اسرائیل و فلسطین می‌پردازد. در ابتدا مفهوم ژئوپلیتیک مقاومت به عنوان یک استراتژی سیاسی و اجتماعی در برابر اشغال و نابرابری‌ها تحلیل می‌شود. سپس با تاکید بر تاریخچه تحولات سیاسی و اجتماعی در این منطقه، به بررسی نقش جغرافیای فیزیکی و انسانی در شکل‌دهی به هویت ملی و مقاومت فلسطینیان و استراتژی‌های دفاعی اسرائیل پرداخته می‌شود. در چارچوب نظری ژئوپلیتیک انتقادی و با اتکا به رهیافت حقوق بین‌الملل مقاومت محور، استدلال می‌شود که حق تعیین سرنوشت فراتر از اصل حقوقی صرف به یک ابزار راهبردی در دستان بازیگران مقاومت تبدیل شده است که از طریق آن، مشروعیت سیاسی اشغالگری اسرائیل را به چالش کشیده، هزینه‌های بین‌المللی یکجانبه گرایی تل آویو را افزایش داده و گفتمان مقاومت را هنجارمند می‌سازند. این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه حق تعیین سرنوشت از یک مطالبه حقوقی منفعل به یک ابزار کنشگری فعال در عرصه‌های زیر تبدیل شده است: در عرصه نمادین، با احیای روایت تاریخی حق بازگشت؛ در عرصه نهادی، با ارجاع موضوع به دیوان بین‌المللی دادگستری و شورای حقوق بشر و در عرصه عملیاتی، با هم‌سو کردن دیپلماسی کشورهای منطقه در محکومیت نقض حقوق فلسطینیان می‌باشد. عوامل مختلفی از جمله تاریخ، سیاست، اقتصاد و دین در شکل‌گیری جغرافیای مقاومت موثر بوده‌اند. در این مقاله با تحلیل عوامل جغرافیایی، سیاسی و ایدئولوژیکی تاثیر جغرافیا بر شکل‌گیری، استراتژی‌ها و تحولات مقاومت فلسطینی مورد مطالعه قرار می‌دهد. بنابر این تداوم این روند، پروژه یکجانبه گرایی اسرائیل را در تناقضی پارادوکسیکال با اصول مسلم حقوق بین‌الملل قرار داده و آینده تحقق آرمان فلسطین را از گفتمان شکست به گفتمان امید و تاب‌آوری هدایت می‌کند.

کلیدواژه‌ها: ژئوپلیتیک مقاومت، خاورمیانه، یکجانبه گرایی اسرائیل، سرنوشت فلسطین، سازمان ملل.

دوره ۱۰، شماره ۱، پیاپی ۳۶
بهار ۱۴۰۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۱۱/۲۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۵/۰۳/۰۶

صص: ۳۳-۵۴

شابا چاپی: ۲۵۸۸-۴۵۶۵
الکترونیکی: ۲۷۱۷-۰۳۸۱



۱. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

rheydarian47@gmail.com

۲. استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

مقدمه

پاول روتلج، فرانس فانون، ژوزوئه دوکاسترو، ادوارد سعید بنیان گذاران ژئوپلیتیک مقاومت هستند که از تعاریف مطرح شده آنها نتیجه میگیریم ژئوپلیتیک مقاومت سازمان های غیر دولتی و جنبش های بومی مردمی هستند که به صورت شبکه های ملی و بین المللی می باشند. مقاومت از قدرت تولید می شود و دارای ایدئولوژیک هایی می باشد که انواع سیستم های فکری و فلسفی را در بر می گیرد که از جمله به مقاومت اسلامی اشاره می کنیم. مقاومت اسلامی در برابر ظلم، تجاوز و اشغالگری سلطه استکبار و متحدان آنها شکل گرفته و هدفش حفظ حقوق، دفع ستم و رفع اشغال است. محور مقاومت یا جبهه مقاومت به مجموعه ای از کشورها و همچنین گروه های نظامی مسلمان گفته می شود که هدف آنها پایان دادن به تسلط غرب و دفاع از آزادی فلسطین است.

منازعه اسرائیل و فلسطین، که ریشه های آن به اوایل قرن بیستم بر می گردد، نه تنها به دلایل تاریخی و فرهنگی، بلکه به عوامل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی نیز مرتبط است (سعید، ۱۹۹۳). مناقشه فلسطین از آغاز قرن بیستم تا کنون، یکی از پیچیده ترین و ماندگار ترین دغدغه های نظام بین الملل بوده است؛ مسئله ای که نه تنها به عنوان نزاعی سرزمینی، بلکه به مثابه چالشی ژرف در برابر اصول بنیادین نظم جهانی و حقوق بین الملل مطرح می شود. حق تعیین سرنوشت ملت فلسطین در این میان، صورتبندی حقوقی مقاومت در برابر ساختار یکجانبه گرایی اسرائیل را بازنمایی می کند، ساختاری که با حمایت قدرت های بزرگ و بهره گیری از راهبردهای ژئوپلیتیکی، توازن قدرت را در خاورمیانه، به نفع خود تغییر داده است. در چنین بستری، ژئوپلیتیک مقاومت نه فقط ادامه ای از پوشش های رهایی بخشی جهان جنوب، بلکه ابزاری برای بازتعریف مرزهای مشروعیت سیاسی و هویت جمعی در برابر نظام سلطه محسوب می گردد (خالدی، ۲۰۰۶، ۱۵۰-۵۰).

موقعیت ژئوپلیتیکی و استراتژیکی متحدان ایران از جمله حزب الله لبنان، جنبش جهاد اسلامی و جنبش حماس در مجاورت مرزهای اسرائیل بر اهمیت آنها در محور مقاومت افزوده است. علاوه بر حزب الله لبنان و مبارزان فلسطینی، ایران با حمایت از متحدان اسلامی غیردولتی خود مانند (انصارالله یمن، حشد الشعبی عراق) و همکاری های دولتی (عراق، سوریه، ترکیه، پاکستان، کره شمالی) با ارائه کمک مستشاری و مشاوره نسبت به تقویت آنها اقدام کرده است. محور یا جبهه مقاومت از اتحاد و همبستگی بازیگران غیردولتی و همکاری و مشارکت بازیگران دولتی تشکیل شده است. رهبری

محور مقاومت اسلامی بر عهده جمهوری اسلامی ایران است که در طی سالیان اخیر در مواجهه با اقدامات رژیم صهیونیستی در فلسطین و لبنان، گسترش گروهک های تکفیری در سوریه و عراق و سلطه آمریکا بر خاورمیانه شکل گرفت.

به طور کلی هدف این مقاله بررسی پیوند میان حق تعیین سرنوشت و ژئوپلیتیک مقاومت فلسطین است تا ابعاد راهبردی مقاومت را در تقابل با یکجانبه گرایی اسرائیل و پیامد های آن برای نظم منطقه ای تحلیل کند.

مبانی نظری

حق تعیین سرنوشت در حقوق بین الملل

حق تعیین سرنوشت، به عنوان یک هنجار آمرانه در حقوق بین الملل شناخته می شود که در زمره حقوق بشری افراد قرار می گیرد. در این حقوق همه افراد و گروه های اجتماعی اعم از قومیت نژاد و دین می توانند کار های خود را در زمینه های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در دست بگیرند. این حقوق که ریشه در منشور ملل متحد می باشد و در (ماده ۱) که به دو میثاق بین المللی، (حقوق مدنی و سیاسی) و (حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) به عنوان حق کلی، معین شده و برای جایگاه مستعمرات نیز لازم الاجرا دانسته شده است (بایفسکی، ۲۰۰۰، ۲-۱). این حق دو بعد دارد: بعد داخلی که حق مردم برای تعیین نظام سیاسی و مشارکت در حکومت؛ بعد خارجی که حق آزادی از سلطه خارجی و تعیین وضعیت بین المللی می باشد. از دیدگاه اسلام، انسان می تواند با قدرت تشخیص انتخاب، مسیر درست زندگی خود را تعیین کند اگرچه رهنمود هایی توسط پیامبران و ائمه اهل بیت برای انتخاب راه صحیح وجود دارد؛ حق انتخاب با خود انسان است. وقتی فلسطین در سال ۲۰۱۱ برای عضویت در یونسکو اقدام کرد، استدلال اصلی خود را بر حق تعیین سرنوشت ملت فلسطین به عنوان یک حق ضد استعماری استوار ساخت که با ۱۰۷ رای پذیرفته شد. بنابر این چارچوب نظری، به مقاومت فلسطین مشروعیت حقوقی جهانی می بخشد و اقدامات اسرائیل را در قالب اشغالگری استعماری قرار می دهد.

نظریه کلاسیک ژئوپلیتیک

اواخر قرن نوزدهم و نیمه اول قرن ۲۰، با نظریه پردازانی مانند راتزل، مکیندر و اسپایکمن نظریه های کلاسیک و انتقادی ژئوپلیتیک شکل گرفت. نظریه قلب زمین، مکیندر که اشاره به کنترل جهان از طریق کنترل اوراسیا دارد. در این نقشه فلسطین و خاورمیانه در حاشیه جنوبی ریملند یا مناطق ساحلی اوراسیا قرار گرفته اند که از نظر مکیندر منطقه ای حیاتی برای مهار نفوذ قدرت قلب زمین (روسیه) به سوی آب های آزاد بود. موقعیت فلسطین اشغالی یک پایگاه پیشرفته را برای قدرت های دریایی (آمریکا و انگلیس) برای نظارت بر دسترسی روسیه به آب های گرم تبدیل کرده است. نظریه ریملند اسپایکمن که اشاره به کنترل حواشی اوراسیا که مهمتر از قلب آن است اشاره دارد. موقعیت فلسطین اشغالی در مرکز ریملند، به مبارزه فلسطینیان ابعاد فرا منطقه ای می دهد. هرگونه تغییر در موازنه قوا در فلسطین، مستقیماً بر تراز قدرت در ریملند جهانی تاثیر می گذارد. از این منظر، حق تعیین سرنوشت فلسطین، تنها یک مطالبه حقوقی نیست، بلکه ابزاری ژئوپلیتیک برای بازتعیین معادلات کنترل ریملند است.

نظریه فضای حیاتی راتزل که اشاره به توسعه سرزمین می باشد اشاره می کند. از نظر راتزل، پروژه صهیونیسم از ابتدا بر پایه الگوی فضای حیاتی پیش رفته است؛ بنابر این فلسطین برای اسرائیل نه فقط یک قلمرو، بلکه شرط بقای وجودی است. از این طرف فلسطینیان در نقش ارگانیزم بومی در حال دفاع از فضای حیاتی تاریخی خود هستند. این تقابل، نمونه کلاسیک برخورد دو روایت متضاد از فضای حیاتی است: یکی مبتنی بر اشغال نظامی و دیگری مبتنی بر حق تاریخی و حقوق بین المللی خود است.

در نتیجه حق تعیین سرنوشت فلسطین تنها یک خواست اخلاقی نیست، بلکه تلاش برای بازنویسی نقشه ژئوپلیتیک طراحی شده توسط سه نظریه های گفته شده است. تا زمانیکه ارزش ژئوپلیتیک فلسطین بر اساس این نظریه ها پابرجاست، منازعه بین اسرائیل و فلسطین ادامه خواهد یافت.

نظریه مقاومت

نظریه مقاومت چارچوبی تحلیلی است که مبارزه بازیگران فرو دست یا غیر برتر را در برابر ساختارهای سلطه (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی یا نظامی) بررسی می کند و ریشه در اندیشه پسا استعماری، مارکسیسم انتقادی و مطالعات زیر دستان دارد. مقاومت به مثابه کنش سیاسی عام به

هرگونه عمل فردی یا جمعی که به قصد تضعیف، مختل کردن یا دگرگون سازی نظم مسلط صورت گیرد، مقاومت تعریف می شود. این کنش می تواند مسلحانه، مدنی، فرهنگی یا گفتمانی باشد. این نظریه بیان می کند که مقاومت اجتماعی می تواند به عنوان یک پاسخ به فشارهای خارجی و نابرابری های داخلی شکل بگیرد. در زمینه فلسطین، مقاومت به عنوان یک استراتژی برای حفظ هویت و حقوق ملی در برابر اشغال اسرائیل تعریف شود. (روتلیج، ۱۳۸۱)

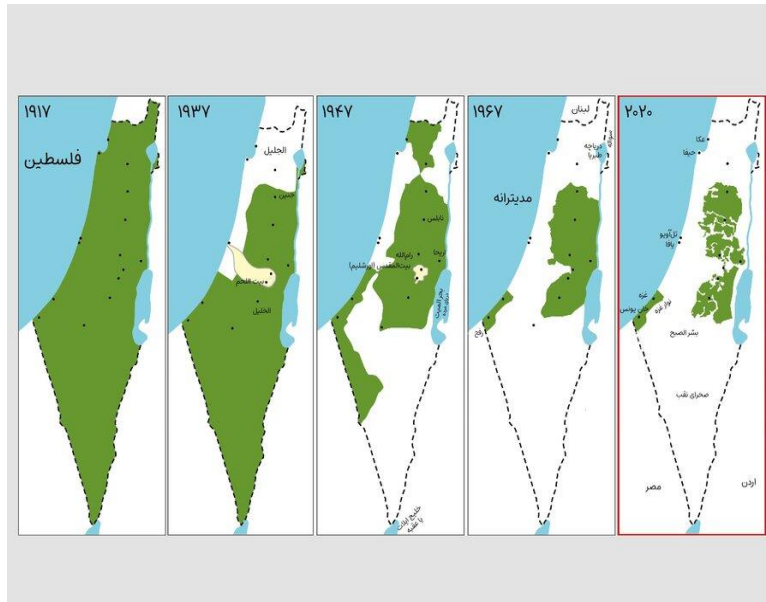
این نظریه بر این اصل تاکید دارد که گروه های تحت ستم، به ویژه در بافت های فرهنگی و اجتماعی خاص، قادر به شکل دهی مختلف مقاومت هستند. در فلسطین مقاومت به اشکال مختلفی از جمله مقاومت مسلحانه، غیر مسلحانه، فرهنگی و سیاسی بروز کرده است. مقاومت فلسطینیان به ویژه در برابر سیاست های اسرائیل، نه تنها به عنوان یک واکنش به اشغال، بلکه به عنوان یک تلاش برای احیای هویت ملی و حقوق خود نیز تعریف می شود. این مقاومت می تواند به شکل تظاهرات، اعتصابات و فعالیت های فرهنگی و اجتماعی ابراز شود و به عنوان یک استراتژی برای جلب توجه جامعه بین الملل و افزایش فشار بر اسرائیل عمل کند. در نتیجه نظریه مقاومت توضیح می دهد که چرا بازیگران ضعیف می توانند در برابر قدرت های برتر پایداری کنند و حتی پیروز شوند. کلید این موفقیت در تبدیل نقاط ضعف به نقاط قوت است.

نظریه یکجانبه گرایی

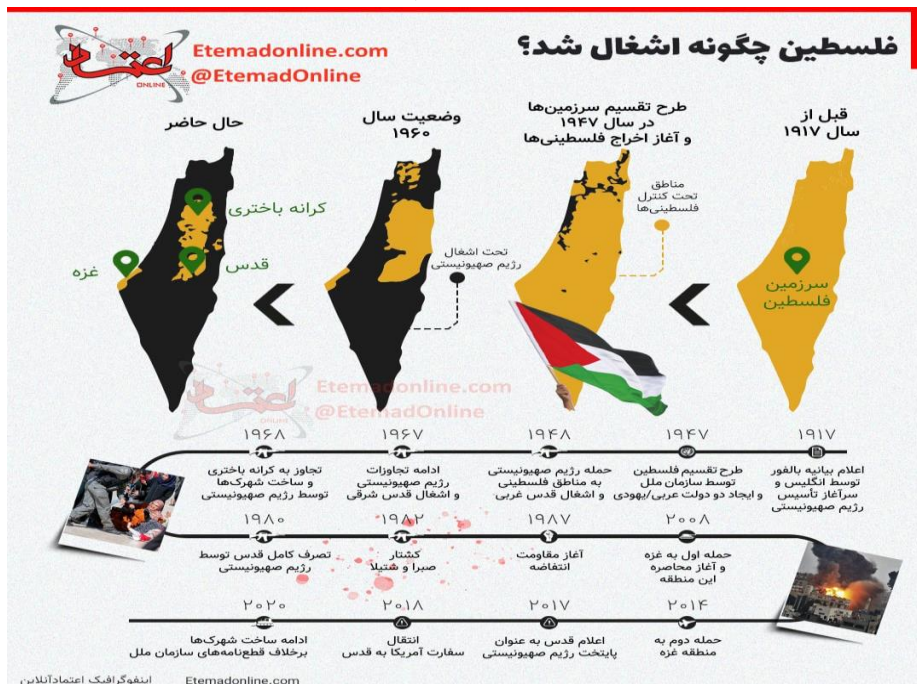
یکجانبه گرایی به عنوان یک راهبرد سیاست خارجی، اشاره به اقدامات مستقل یک دولت در عرصه بین المللی بدون جست و جوی توافق، هماهنگی یا مجوز از دیگر بازیگران بین المللی مانند سازمان های بین المللی، متحدان یا جامعه جهانی دارد. این نظریه، در تقابل با چند جانبه گرایی قرار دارد. بنابراین یکجانبه گرایی در نظریه روابط بین الملل، نشان دهنده تنش دائمی بین حاکمیت ملی و حکمرانی جهانی است. در حالیکه واقع گرایان آن را انتخابی اجتناب ناپذیر در نظام آنارشیک می دانند، لیبرال ها و سازه انگاران آن را تهدیدی برای نظم و مشروعیت بین المللی قلمداد می کنند. اگر یکجانبه گرایی به مثابه راهبرد بقا و برتری رژیم صهیونیستی اشاره شود این است که اسرائیل خود را در محیطی خصمانه می بیند و برای تضمین بقا و برتری نسبی، به جای پذیرش قواعد عام حقوق بین الملل و اجماع جهانی، به کنش یکجانبه متکی است؛ یعنی توسل مکرر به زور پیش دستانه (حملات هوایی، ترور هدفمند، جنگ های دوره ای علیه غزه و لبنان) بدون توجه به اجماع یا قطعنامه های بین الملل می شود؛ تعیین خطوط

قرمز امنیتی و اجرای آنها با اتکا به برتری نظامی و هسته ای خود، نه اینکه با ساز و کار های جمعی امنیتی دنبال شود. اگر به پیوند یکجانبه گرایی اسرائیل با هژمونی آمریکا اشاره کنیم یکجانبه گرایی اسرائیل در خلا اتفاق نمی افتد، بلکه بر دو ستون استوار است: اولاً بر حمایت ساختاری آمریکا در شورای امنیت از طریق وتو علیه قطعنامه های مربوط به فلسطین، شهرک سازی، جنگ غزه و... است و دوما ادغام امنیت اسرائیل در استراتژی کلان آمریکا در خاورمیانه با حفظ برتری نظامی کیفی اسرائیل، اتحادهای امنیتی، حمایت مالی و نظامی مستمر می باشد. در پیوند یکجانبه گرایی با انکار حق تعیین سرنوشت فلسطین، یکجانبه گرایی اسرائیل عملاً به معنای انکار سیستماتیک حق تعیین سرنوشت ملت فلسطین است، زیرا هرگونه راه حل جمعی مانند قطعنامه های سازمان ملل، طرح های صلح و بازگشت آوارگان را یا بی اثر می کند یا به صورت یکجانبه بازتعریف می نماید. ژئوپلیتیک مقاومت دقیقاً در واکنش به این ساختار یکجانبه گرا شکل گرفته است؛ یعنی مقاومت تلاش می کند با ایجاد موازنه تهدید، بسیج افکار عمومی جهانی و همپیمانی های منطقه ای، این یکجانبه گرایی را به چالش بکشد و امکان تحقق حق تعیین سرنوشت را احیا کند.

شکل (۱) نقشه تجزیه فلسطین به مرور زمان (منبع: نگارندگان)



شکل ۲) شرح تجزیه نقشه فلسطین توسط رژیم صهیونیستی (منابع: مجله اعتماد)



ژئوپلیتیک خاورمیانه

خاورمیانه به عنوان یک منطقه ژئوپلیتیک با ویژگی‌های خاص خود، به مطالعه روابط پیچیده بین کشورها و گروه‌های مختلف می‌پردازد. در این منطقه عوامل تاریخی، فرهنگی و اقتصادی به شدت بر روابط سیاسی تأثیر می‌گذارند. خاورمیانه به دلیل موقعیت تقاطع سه قاره (آسیا، اروپا، آفریقا)، داشتن بیش از ۶۰٪ ذخایر نفت جهان و گره‌گاه آبراهه‌های استراتژیک (تنگه هرمز و باب‌المندب، کانال سوئز) همواره قلب تپنده ژئوپلیتیک جهانی بوده است. در این میان، منازعه فلسطین و اسرائیل نه یک اختلاف محلی، بلکه کانون بحران‌های امنیتی، هویتی و راهبردی منطقه شده است.

تحلیل ژئوپلیتیکی منازعه اسرائیل و فلسطین نیازمند درک عمیق از این عوامل و چگونگی تأثیر آنها بر دینامیک‌های قدرت در منطقه است. (متقی، ۱۳۹۹) به عنوان مثال، تأثیرات جنگ‌های گذشته، توافق‌های صلح و مداخلات بین‌المللی بر شکل‌گیری وضعیت کنونی و تلاش‌های صلح در این منطقه تأثیر گذار است.

پس از جنگ جهانی، جهان به سمتی حرکت کرد که قطب های جهانی چه در نظام دو قطبی با وجود شوروی و آمریکا و چه پس از آن که آمریکا برای چند دهه تنها ابر قدرت مطرح بود اجازه پیگیری سیاست مستقلی را به کشور ها نمی دادند بلکه سیاست های خواست خود را بر کشور ها تحمیل می کردند و تعدادی از کشور ها حاضر به پذیرش سیاست های تحمیلی قطب های جهانی نبودند و سیاست های خود را قبول داشتند مقاومت کردند به همین خاطر جغرافیای مقاومت شکل گرفت.

امروزه یکی از مهمترین سیاست های جهان اسلام در شرایط کنونی مسئله فلسطین و مبارزه با رژیم اشغالگر صهیونیستی می باشد و قرار گرفتن فضای ژئوپلیتیکی فلسطین و رژیم صهیونیستی در خاورمیانه در این منطقه جغرافیای مقاومت برای مبارزه با رژیم اشغالگر مورد توجه قرار گرفته است و محور مقاومت را شکل داده است. محور مقاومت حاصل رویداد تاریخی که در اواخر قرن ۲۰ و اوایل قرن ۲۱ میلادی در مواجهه با اقدامات رژیم صهیونیستی در فلسطین، لبنان و سوریه و گسترش داعش در سوریه و عراق و حضور آمریکا در منطقه شکل گرفته و اقدامات مهمی انجام داده و به موفقیت های بزرگی دست پیدا کرده است. (صلح میرزایی، ۱۳۹۸)

جغرافیای کنونی کشورهای جبهه مقاومت توانسته رژیم صهیونیستی را محاصره کند و چالش های امنیتی و جغرافیایی را برای رژیم صهیونیستی به وجود بی آورد که می توان به وجود مبارزان فلسطینی در غزه و کرانه باختری، وجود رزمندگان حزب الله لبنان در جنوب لبنان و حضور ایران در منطقه خاورمیانه اشاره کرد. (موسوی، ۱۴۰۳)

ایدئولوژی های تشکیل محور مقاومت در خاورمیانه صهیونیسم ستیزی، آمریکا ستیزی، اسلام گرایی شیعه، امپریالیسم ستیزی، جهادگرایی و غرب ستیزی است.

محور مقاومت از ابتدای تشکیل اقدامات و دستاورد هایی داشته است که آن را به یک بازیگر مهم منطقه ای و تا حدودی بین المللی تبدیل کرده است. از جمله این اقدامات این محور مبارزات گروه های فلسطینی و حزب الله لبنان در مقابل اقدامات اشغالگرایانه رژیم صهیونیستی، مبارزه کشور های ایران عراق سوریه و گروه های مقاومت در مقابل گسترش نفوذ داعش در عراق و سوریه، مقابله با تهاجم کشور های عربی به یمن توسط انصارالله و در نهایت به چالش کشیدن آمریکا و اسرائیل از شروع طوفان الاقصی می باشد. (شاپوری، ۱۴۰۱)

یکی از اقدامات مهم محور مقاومت مبارزات و ایستادگی علیه اقدامات اشغالگرانه و جنایت های رژیم صهیونیستی می باشد زیرا با تشکیل اسرائیل در سال ۱۹۴۸ با حمایت انگلیس و آمریکا ضربه سنگینی بر پیکره جهان اسلام وارد شد و مبارزه با این رژیم علاوه بر اینکه به یکی از اعتقادات دینی و ایدئولوژی محور مقاومت تبدیل شد به عنوان بزرگترین دشمن واقعی محور مقاومت شکل گرفت. (موسوی، ۱۴۰۳)

هدف ژئواستراتژیکی اسرائیل اشغال سرزمینی از رود نیل تا فرات بود و تلاش می کند از طریق اشغال نظامی، صنعتی و فرهنگی بلکه گسترش شهرک سازی در سرزمین اشغالی و ماجرت یهودیان جهان در این سرزمین هدف خود را برای گسترش ژئوپلیتیکی سرزمینی خود تحقق ببخشد و برای این اقدام منتظر موافقت سازمان ملل و رضایت دولت ها نمی نشیند ولی با هوشیاری و ایستادگی محور مقاومت و مسلمانان این اقدام ناکام مانده است و اگر محور مقاومت رژیم صهیونیستی را زمین گیر نکرده بود دنیای اسلام شاهد اشغالگری سرزمین های منطقه از لبنان گرفته تا عراق، خلیج فارس و اردن و.... بودیم. محور مقاومت با ایستادگی توانست جنوب لبنان و غزه را از دست رژیم صهیونیستی آزاد کند و مبارزان و جوانان فلسطینی که با سنگ از خود دفاع می کردند مسلح شوند و جنوب لبنان توسط رزمندگان حزب الله محافظت شود. جبهه مقاومت توانست نقش مهمی در انتفاضه اول و دوم، جنگ ۳۳ روزه لبنان و جنگ های متعدد غزه مانند جنگ ۲۲ روزه غزه و در آخر عملیات بزرگ طوفان الاقصی ایفا کند و موجب افتخار تمام ملت های منطقه، جهان اسلام و همه انسان های آزادی خواه جهان شود. (چامسکی، ۱۴۰۲)

یکی از کشور هایی که نقش استراتژیکی مهم و اساسی را در راهبرد جبهه مقاومت و دفاع از آرمان های فلسطین دارد کشور جمهوری اسلامی ایران است که با حمایت های مالی و کمک های مستشاری، تسلیحاتی و آموزش نظامی به رزمندگان جبهه مقاومت سعی می کند که اسرائیل را به چالش بیندازد البته ناگفته نماند گروه های مقاومت کاملاً مستقل هستند م گروه های شبه نظامی ایران نیستند و به فرمایش رهبر انقلاب «از محور مقاومت حمایت می کنیم اما گروه های مقاومت خود تصمیم می گیرند و اقدام می کنند». بنابر این ژئوپلیتیک خاورمیانه امروز حول محور تقابل دو بلوک شکل گرفته است: اول، بلوک مقاومت به رهبری ایران همراه با بازیگرانی دولتی و غیر دولتی، مانند

حزب الله لبنان، انصارالله یمن، حماس، عراق می باشد و دوما بلوک غربی - عربی - صهیونیستی که شامل رژیم صهیونیستی، کشورهای عربی با پشتیبانی آمریکا می باشد.

روش تحقیق

این تحقیق به صورت تحلیلی - توصیفی با رویکردی کیفی طرحی شده که تلاش می کند با اتکا به مفاهیم حقوق بین الملل، ژئوپلیتیک و نظریه های نظام بین الملل، الگوی رفتاری اسرائیل و مقاومت فلسطین را تبیین کند. هدف آن بررسی و تحلیل ابعاد مختلف ژئوپلیتیک مقاومت برابر یکجانبه گرایی اسرائیل و به ویژه در زمینه حق تعیین سرنوشت فلسطین است. با توجه به ماهیت موضوع مورد مطالعه، گردآوری داده ها و اطلاعات بر مبنای روش کتابخانه‌ای، روش منابع الکترونیکی و بهره گیری از اسناد حقوق بین‌المللی صورت گرفته و از منابع داخلی و خارجی مکتوب در این زمینه استفاده شده است.

یافته های تحقیق

تعریف و ابعاد ژئوپلیتیک مقاومت

مقاومت به عنوان یک مفهوم اجتماعی و سیاسی

مقاومت درق علوم اجتماعی و سیاسی، به طیف گسترده ای از کنش های آگاهانه فردی یا جمعی اشاره دارد. که با هدف مقابله، تخریب یا بازآرایی ساختار های سلطه (اقتدار سیاسی، هنجار اجتماعی، اشغال سرزمینی یا نظام اقتصادی ناعادلانه صورت می گیرد. این مفهوم فراتر از مبارزه نظامی، اشکال فرهنگی، گفتمانی، زندگی روز مره و نافرمانی مدنی را در بر میگیرد. مقاومت در خاور میانه به عنوان یک پدیده پیچیده اجتماعی - سیاسی تعریف می شود که شامل عناصر هویتی، اقتصادی و فرهنگی است. به گفته ادوارد سعید (مقاومت به عنوان یک عمل سیاسی و اجتماعی نه تنها به مبارزه با اشغال مربوط می شود بلکه به حفظ هویت، فرهنگ و تاریخ یک ملت نیز مربوط است).

جدول شماره ۱) اشکال متکثر مقاومت

مثال	ویژگی ها	شکل مقاومت
جنبش‌های مقاومت در خاورمیانه	سازمان یافته، خشونت آمیز، با هدف تغییر سریع ساختار قدرت	مقاومت مسلحانه
تظاهرات میلیونی ملت‌های مسلمان در روز جهانی قدس	غیر خشونت آمیز، مبتنی بر نپذیرفتن قوانین ناعادلانه	نافرمانی مدنی
اشعار عاشورایی به عنوان نماد ایستادگی	تولید هنر، موسیقی، ادبیات یا نمادهای هویت بخش مخالف	مقاومت فرهنگی
شبکه المیادین لبنان به عنوان صدای گفتمان مقاومت	بازتعریف مفاهیم، ایجاد روایت های بدیل در رسانه ها	مقاومت گفتمانی
طرح شکایت آفریقای جنوبی در دادگاه لاهه برای نسل کشی رژیم صهیونیستی در فلسطین	پیگیری حقوقی در مراجع بین المللی و دیپلماسی برای مشروعیت زدایی دشمن	مقاومت حقوقی - دیپلماتیک

منبع: نگارندگان

در فلسطین، مقاومت تنها یک استراتژی نیست، بلکه یک شیوه زندگی است که حتی در پختن غذا با مواد محدود (غذای مقاومت) یا حفظ کلید های ویران شده ۲۰۲۳ (حافظه جمعی) تبلور می یابد.

ژئوپلیتیک مقاومت به عنوان پاسخ راهبردی

ژئوپلیتیک مقاومت، تلاشی آگاهانه برای شکستن انحصار قدرت و روایت اسرائیل در مقیاس سرزمینی و منطقه ای است؛ به این معنا که مقاومت فقط واکنش نظامی مقطعی نیست، بلکه طرحی است برای برهم زدن موازنه ای که یکجانبه گرایی اسرائیل و حامیان آن در عرصه میدانی، حقوقی و گفتمانی ایجاد کرده اند. این ژئوپلیتیک در سه بعد اصلی عمل می کند:

- بعد میدانی - نظامی: قرار دادن شهرها و زیرساخت های حساس اسرائیل در تیررس، بهره گیری از فضای زیر زمینی و تاکتیک‌های نبرد نامتقارن که عمق استراتژیک رژیم صهیونیستی را به چالش می کشد.

- بعد گفتمانی- رسانه‌ای: تبدیل مسئله فلسطین از یک منازعه صرفاً سرزمینی به نماد بی‌عدالتی جهانی و سنجش گرمشروعیت نظم بین‌المللی، از طریق رسانه‌ها، جنبش‌های دانشگاهی، شبکه‌های اجتماعی و کمپین‌های جهانی نمی‌باشد.
- بعد دیپلماتیک منطقه‌ای: ایجاد نوعی همپیوستگی میان گروه‌های مقاومت و دولت‌های حامی در قالب محور مقاومت و گشودن جبهه‌های متعدد فشار بر اسرائیل و نظام سلطه در مقیاس خاورمیانه می‌باشد.

ژئوپلیتیک مقاومت، معادله عمق استراتژیک را معکوس کرده است: به جای آنکه اسرائیل تنها ناظر و کنترل‌گر منطقه باشد، اکنون خود در محاصره شبکه‌ای از بازیگران مقاومتی قرار گرفته که می‌توانند از چند جبهه به آن فشار وارد کنند و هزینه رفتار یکجانبه را افزایش دهند. این الگو، مقاومت را از سطح محلی به سطح فراملی ارتقاء داده است؛ یعنی فلسطین دیگر فقط مسئله یم ملت محصور در سرزمین اشغالی نیست، بلکه به محور همبستگی مردمی و سیاسی در جهان اسلام و فراتر از آن تبدیل شده و در نتیجه، هر دور جدید سرکوب اسرائیل، موج تازه‌ای از همبستگی و فشار بین‌المللی ایجاد می‌کند. برای نمونه سخنان شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین در پیام او به نشست سازمان ملل به مناسبت روز جهانی همبستگی با ملت فلسطین، نشان می‌دهد که مسئله فلسطین دیگر در چارچوب یک منازعه صرفاً خاورمیانه‌ای قابل فهم نیست؛ بلکه به شاخصی برای سنجش اعتبار و عدالت محوری نظام حکمرانی جهانی بدل شده است. او با برجسته کردن اصل فلسطین باید به دست فلسطینی‌ها اداره شود و ضرورت بازسازی غزه، در برابر ابتکارهای تحمیلی‌ای مانند طرح صلح ترامپ موضع می‌گیرد و عملاً تأکید می‌کند که مقاومت فلسطین امروز جزئی از پازل گسترده‌ای در ژئوپلیتیک جهانی است؛ پازلی که آینده امنیت و ثبات خاورمیانه را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. (لطفی و دیگران، ۱۴۰۳: ۱۳-۵)

عوامل خارجی: نقش قدرت‌های خارجی مانند قدرت‌های غربی (ایالات متحده و بریتانیا) در حمایت با عدم حمایت از فلسطینیان و تأثیر آن بر تحولات منطقه‌ای نیز به عنوان یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری ژئوپلیتیک مقاومت شناسایی شده است. سعید تأکید می‌کند که قدرت‌های غربی، به ویژه بریتانیا و ایالات متحده نقش کلیدی در شکل‌گیری و تداوم وضعیت کنونی در فلسطین و خاورمیانه ایفا کرده‌اند. او به قرار داد بالفور (۱۹۱۷) و تاسیس دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ اشاره می‌کند.

مشروعیت حقوقی مقاومت بر پایه حق تعیین سرنوشت

اسناد حقوق بین الملل، از منشور ملل متحد تا قطعنامه های مجمع عمومی و شورای امنیت، حق تعیین سرنوشت ملت ها و به طور خاص ملت فلسطین را به رسمیت شناخته و مقاومت برای کسب استقلال را مشروع می دانند. حق تعیین سرنوشت افلسطینیان نتیجه انکار ناپذیر دو رویداد حقوقی و تاریخی است: تجزیه امپراتوری عثمانی پس از پایان جنگ جهانی اول و انصراف ترکیه از اعمال حاکمیت بر فلسطین در سال ۱۹۲۳ به موجب معاهده لوزان تعریف شده است (Dweik/1997). حق مردم فلسطین برای برخورداری از سرزمینی مستقل، نه تنها ریشه در اصول بنیادین حقوق بین الملل دارد، بلکه در وجدان اخلاقی جهانی نیز جایگاهی انکار ناپذیر یافته است.

اصل حق تعیین سرنوشت ملل که در منشور ملل متحد و مجموعه ای از قطعنامه های آن از جمله قطعنامه های ۲۴۲ در سال ۱۹۶۷ و ۳۳۸ در سال ۱۹۷۳ شورای امنیت مورد تاکید قرار گرفته، پشتوانه حقوقی اصلی مطالبه فلسطینیان برای تشکیل دولتی مستقل در سرزمین تاریخی خود به شمار می آید. در عین حال، از زمان اشغال کرانه باختری، قدس شرقی و نوار غزه در پی جنگ ۱۹۶۷، جامعه فلسطین زیر سلطه یک رژیم اشغالگر نظامی قرار داشته و به طور مستمر با نقض سازمان یافته حقوق بنیادین انسانی و موازین حقوق بنیادین انسانی و موازین حقوق بین الملل روبرو بوده است. سرآغاز این رنج به سال های بسیار قبل تر بر می گردد؛ به ۱۹۴۸، هنگامی که با اعلام تشکیل دولت اسرائیل و رخداد فاجعه ای که در حافظه تاریخی فلسطینیان به روز نکبت مشهور است، صدها هزار نفر از مردم فلسطین از خانه و موطن خود بیرون رانده شدند و به آوارگانی سرگردان در کشورهای پیرامونی بدل گشتند. از آن زمان تا کنون، نه تنها حق بازگشت این جمعیت هرگز عملی نشده، بلکه ساز و کار اشغال و سرکوب، ابعادی خشن تر و سازمان یافته تر پیدا کرده است. با این وجود، فلسطینیان پیوسته برای تثبیت حق موجودیت و حیات ملی خود مبارزه کرده اند. در سال ۱۹۸۸، سازمان آزادی بخش فلسطین با صدور اعلامیه استقلال، موجودیت سیاسی دولت فلسطین را اعلام کرد؛ گامی که به تدریج زمینه شناسایی گسترده بین المللی را فراهم ساخت و امروز ۱۴۷ کشور از میان ۱۹۳ عضو سازمان ملل، دولت فلسطین را به عنوان یک واحد سیاسی مستقل به رسمیت می شناسند. این اساس، یافته اصلی این است که مقاومت فلسطین در صورت رعایت اصول منشور نه صرفاً کنترل امنیتی، بلکه اعمال حق بنیادین تعیین سرنوشت در برابر اشغال و استعمار اسکان گر است.

تأثیرات بر سیاست های منطقه ای و بین المللی

تغییر در سیاست های کشورهای عربی: تحقیق نشان می دهد که ژئوپلیتیک مقاومت می تواند بر سیاست های کشورهای عربی تأثیر بگذارد و موجب تغییر در رویکرد آنها نسبت به اسرائیل و فلسطین شود. عزمی بشاره به این نکته اشاره می کند که بسیاری از کشورهای عربی در دهه های اخیر تغییراتی در اولویت های سیاست خارجی خود داده اند. به ویژه پس از بهار عربی و تحولات داخلی در برخی از کشورهای عربی، توجه این کشورها به مسائل داخلی و چالش های اقتصادی و اجتماعی افزایش یافته است. این تغییر اولویت ها ممکن است منجر به کاهش توجه به مسائل فلسطین و مقاومت در برابر اشغال اسرائیل شود (موسوی، ۱۴۰۰: ۳۱۲).

نقش نهادهای بین المللی: سازمان های بین المللی و حقوق بشر به تأثیرات مقاومت در خاورمیانه توجه بیشتری دارند و این موضوع می تواند به فشار بر اسرائیل برای تغییر سیاست های خود منجر شود. سازمان عفو بین الملل و هیومن رایتس واچ در گزارش های خود به نقض حقوق بشر در مناطق اشغالی اشاره کرده اند. گزارش های هیومن رایتس واچ می توانند در تصمیم گیری های نهاد های بین المللی مانند سازمان ملل متحد و کشورهای غربی تأثیر بگذارند. این نهاد ها ممکن است بر اساس این گزارش ها، تحریم هایی علیه اسرائیل وضع کنند یا به دنبال راهکارهایی برای حل منازعه باشند. این موضوع می تواند به تغییرات در سیاست های دولتی و بین المللی نسبت به اسرائیل و فلسطین منجر شود. (هدایتی شهیدانی، ۱۳۹۹)

چالش ها و موانع

- چالش های ساختاری در نظام بین الملل: سلطه متتق قدرت بر متتق حقوق؛ و توها، ائتلاف های قدرت و ملاحظات ژئوپلیتیک، اجرای واقعی حق تعیین سرنوشت فلسطین را مسدود می کند. دوگانه استاندارد در اجرای حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، که باعث تداوم استثنای اسرائیل در برابر قواعد عام می شود.
- **تفرقه داخلی:** یکی از چالش های کلیدی در میان گروه های فلسطینی، تفرقه سیاسی و عدم انسجام درونی است. این اختلافات عمدتاً ناشی از تفاوت های ایدئولوژیک، رقابت

های سیاسی و مداخلات خارجی است که مانع از ایجاد یک جبهه متحد در برابر رژیم اشغالگر می‌شود (بقائی، ۱۴۰۳). تفرقه داخلی میان گروه‌های فلسطینی پیامد‌هایی دارد که می‌توان به افزایش آسیب‌پذیری در برابر اقدامات رژیم صهیونیستی یا کاهش حمایت مردمی و منطقه‌ای از آرمان فلسطین اشاره کرد. برای اینکه بتوان جلوی تفرقه سیاسی میان گروه‌های فلسطینی گرفت راهکار‌هایی وجود دارد که عبارتند از (ایجاد یک ساختار سیاسی واحد که بتواند نماینده همه گروه‌های فلسطینی باشد)، تقویت دیپلماسی داخلی برای کاهش اختلافات و افزایش هماهنگی میان جناح‌های مختلف)، مقابله با نفوذ خارجی که موجب تشدید اختلافات می‌شود).

- **چالش‌های گفتمانی رسانه‌ای:** سیطره روایت‌های امنیتی غربی که مقاومت را به تروریسم فرو می‌کاهد و مسئله فلسطین را از یک مساله حقوقی استعماری به یک موضوع صرفاً امنیتی تبدیل می‌کنند. نابرابری در قدرت رسانه‌ای و تکنولوژیک؛ به گونه‌ای که ظرفیت فلسطین و محور مقاومت برای رساندن روایت خود به افکار عمومی جهانی با محدودیت‌ها و سانسورهای جدی رو به رو است.
- **موانع میدانی و سرزمینی:** تداوم اشغال، شهرک‌سازی، محاصره غزه و تجزیه فضایی سرزمین فلسطین، که امکان شکل‌گیری حاکمیت موثر یک دولت فلسطینی را دشوار می‌کند. مهندسی جمعیتی و فضایی که پیوند سرزمینی و اجتماعی به جامعه فلسطین را تضعیف می‌سازد.
- **سرکوب و خشونت:** سرکوب‌های شدید توسط نیروهای اسرائیلی و استفاده از خشونت به عنوان موانع عمده‌ای در مسیر مقاومت شناخته می‌شود. علی‌نوری تأکید می‌کند که این اقدامات می‌تواند روحیه مقاومت را تضعیف کند و همچنین این خشونت‌ها بر روحیه و توانایی مردم برای سازماندهی و مقاومت تأثیر می‌گذارد و منجر به ترس و ناامیدی در میان مردم می‌شود و توانایی آنها برای مقاومت را کاهش می‌دهد. البته راهکار‌هایی وجود دارد که می‌توان به تقویت آگاهی عمومی و آموزش، استفاده از فناری‌های نوین و تامین حمایت بین‌المللی اشاره کرد. (افتخاری، ۱۴۰۱)

تجزیه و تحلیل

ماه نوامبر به ویژه هشتم آذر، هر سال یادآور زخمی مزمن در تاریخ معاصر است؛ روزی که از سوی سازمان ملل به عنوان روز جهانی همبستگی با ملت فلسطین نامگذاری شده است. ریشه این نام گذاری به سال ۱۹۴۷ باز می گردد، زمانی که مجمع عمومی با تصویب قطعنامه ۱۸۱، در غیاب اراده و صدای مردم بومی، طرح تقسیم فلسطین را به دو واحد سیاسی یهودی و عربی پیشنهاد کرد؛ تصمیمی که سرآغاز نکت، اشغال و آوارگی گسترده و دوران طولانی از مقاومت شد. پاسداشت این روز، ندر حقیقت نه تجلیل از آن قطعنامه، بلکه یادآوری حقوق پایمال شده ملتی است که هنوز در پی عدالت، آزادی و حق بازگشت به سرزمین مادری خویش است؛ ملتی که پایداری اش، همچون روایتی زنده از امید و حق جویی در برابر بی عدالتی تاریخی جلوه گر می شود (عطارزاده، ۱۴۰۳: ۶۶-۶۱).

در شکاف میان مشروعیت حقوقی و واقعیت قدرت که بر پایه اسناد و قطعنامه های بین المللی، حق تعیین سرنوشت ملت فلسطین از نظر حقوقی تثبیت شده است؛ اما در سطح عینی، استمرار اشغال، شهرک سازی و محاصره نشان می دهد که منطق قدرت بر منطق حقوق غلبه دارد. در این چارچوب، رفتار اسرائیل نمونه ای از یکجانبه گرایی حمایت شده است؛ یعنی کنشی که به دلیل پشتوانه هژمونیک آمریکا و برخی قدرت های غربی از پیامدهای جدی حقوقی و سیاسی مصون می ماند. این شکاف میان باید حقوقی و هست ژئوپلیتیکی، زمینه شکل گیری و تداوم مقاومت را نه به عنوان یک انتخاب صرفا ایدئولوژیک، بلکه به عنوان واکنشی ساختاری به انسداد مسیر های حقوقی - دیپلماتیک توضیح می دهد.

در یکجانبه گرایی اسرائیل و تولید فضاهای استثنا، تحلیل روند های میدانی نشان می دهد که یکجانبه گرایی اسرائیل فقط در سطح تصمیمات سیاسی و نظامی متوقف نمی ماند، بلکه در قالب مهندسی فضایی و جمعیتی بروز می کند: از دیوار حائل و محاصره غزه تا سیاست های الحاق و شهرک سازی می باشد. این سیاست ها، نوعی فضای استثنا ایجاد کرده اند که در آن، فلسطینیان عملا از بسیاری حقوق بنیادین خود محروم شده و تحت رژیم از کنترل امنیتی و محدودیت جابجایی قرار دارند. در این چارچوب، سرزمین فلسطین به میدانی تبدیل می شود که در آن، یکجانبه گرایی، نه فقط در قالب نقص حقوق بین الملل، بلکه در قالب باز طراحی روزمره فضا و زندگی مردم اعمال می شود (قطب الدینی و ذاکری، ۱۳۸۶: ۳۰-۴۰).

در ژئوپلیتیک مقاومت به عنوان بازتعریف معادله قدرت که به معنای استراتژی هایی است که کشور های تحت فشار یا اشغال به ویژه در خاورمیانه، برای مقابله با تهدیدات خارجی و حفظ هویت ملی خود به کار می برند. این مفهوم در مورد فلسطین و اسرائیل به ویژه در سال های اخیر اهمیت زیادی یافته است، زیرا گروه های مختلف فلسطینی مانند حماس و جهاد اسلامی به عنوان نماد های مقاومت در برابر اسرائیل شناخته می شوند. (قاسمی، ۱۳۹۶). درگیری اسرائیل و فلسطین ریشه در تاریخ و مسائل هویتی عمیق دارد. از تاسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸ و جنگ های پس از آن تا انتفاضه ها و آخرین درگیری ها، این موضوع به یک چالش ژئوپلیتیک تبدیل شده است. عوامل مختلفی مانند مسائل مرزی، حقوق بشر و مهاجرت در این درگیری نقش دارند. (کرمی، ۱۴۰۱) بازیگران مختلفی در این زمینه حضور دارند، از جمله ایران، ترکیه و کشور های عربی. ایران به عنوان حامی گروه های مقاومت فلسطینی نقش کلیدی در ژئوپلیتیک مقاومت ایجاد می کند. کشور های عربی نیز، به ویژه در دوره اخیر به دنبال ایجاد روابط جدید با اسرائیل و کاهش تنش ها هستند. (محمدی، ۱۳۹۸)

تاثیرات اجتماعی و اقتصادی این درگیری بر زندگی مردم فلسطینی و اسرائیلی قابل توجه است. فقر، بیکاری و نا امنی اجتماعی در مناطق فلسطینی به عنوان پیامدهای مستقیم این درگیری ها مطرح هستند. در عین حال امنیت و ثبات اقتصادی در اسرائیل نیز تحت تاثیر این درگیری ها قرار دارد. آینده این درگیری به شدت وابسته به تحولات سیاسی و اجتماعی در خاور میانه و همچنین موضع گیری های قدرت های بزرگ مانند ایالات متحده و اتحادیه اروپا است. تلاش ها برای ایجاد صلح و توافقات جدید ممکن است به کاهش تنش ها کمک کند. اما چالش های عمیق هنوز باقی خواهد ماند. (متقی، ۱۳۹۹)

نتیجه گیری

حق تعیین سرنوشت ملت فلسطین در اسناد حقوق بین الملل جایگاهی روشن و تثبیت شده دارد، اما در عرصه عینی، ساختار اشغال و منطق قدرت اجازه تحقق کامل آن را نداده است. در چنین وضعیتی، یکجانبه گرایی اسرائیل که خود را در سطوح حقوقی، فضایی، امنیتی و گفتمانی نشان می دهد به ساز و کار اصلی تداوم اشغال و انکار این حق تبدیل شده است. در نهایت تبیین ژئوپلیتیک مقاومت در خاورمیانه به ویژه در زمینه درگیری اسرائیل و فلسطین، یک موضوع پیچیده و چند بعدی است که

نیازمند توجه به عوامل تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. این مقاله نشان داد که مقاومت فلسطینیان در برابر اشغال و نقض حقوق بشر نه تنها به عنوان یک واکنش طبیعی به شرایط موجود، بلکه به عنوان یک استراتژی ژئوپلیتیک برای حفظ هویت ملی و استقلال آنها نیز قابل تحلیل است. با توجه به تاریخچه درگیری‌ها و تحولات سیاسی، مشخص است که بازیگران مختلف منطقه ای و بین‌المللی در شکل دهی به این ژئوپلیتیک نقش دارند. حمایت‌های ایران از گروه‌های مقاومت، تغییرات در روابط کشور‌های عربی با اسرائیل و موضع‌گیری قدرت‌های بزرگ همچون ایالات متحده، همگی عواملی هستند که بر آینده این درگیری تأثیر می‌گذارند. علاوه بر این، نتایج اجتماعی و اقتصادی این درگیری‌ها نه تنها بر فلسطینیان بلکه بر اسرائیلی‌ها نیز تأثیر گذار است. امنیت و ثبات در این منطقه به شدت به توانایی طرفین در دستیابی به یک راه حل پایدار بستگی دارد. از دل این تحلیل می‌توان نتیجه گرفت که ژئوپلیتیک مقاومت، نه یک پدیده صرفاً نظامی یا عاطفی، بلکه شکلی از کنش آگاهانه سیاسی - فضایی است که می‌کوشد فاصله میان مشروعیت حقوقی و واقعیت قدرت را کاهش دهد و امکان عینی تری برای تحقق حق تعیین سرنوشت فلسطین فراهم آورد؛ ژئوپلیتیک مقاومت در برابر یکجانبه‌گرایی اسرائیل به خوبی بیانگر این جمع بندی است که بدون درک مقاومت به مثابه یک راهبرد ژئوپلیتیک، نمی‌توان هم مانع اصلی یکجانبه‌گرایی ساختاری اسرائیل را شناخت و هم مسیر‌های بالقوه تحقق تعیین سرنوشت ملت فلسطین را تبیین کرد.

فهرست منابع

- اسماعیل الاغا، امجد (۱۴۰۰). جنگ غزه و تغییر توازن ژئوپلیتیک و محاسبات قدرت های منطقه ای و بین المللی، کد مطلب ۲۰۰۲۹۴۱، سایت دیپلماسی ایرانی.
- افتخاری، اصغر و سلیمانی، محمدمهدی (۱۴۰۰). تأثیرات سیاسی-امنیتی محور مقاومت بر آسیب پذیر رژیم صهیونیستی، آفاق امنیت، ۱۴ (۵۳)، ۵۵-۶۰.
- آندرسون، تیم (۱۳۹۹). محور مقاومت به سوی یک خاورمیانه مستقل، ترجمه کریم اسمعیلی، تهران، کهکشان علم.
- اور تمرا بی (۱۳۹۹). منازعه فلسطین و اسرائیل، ترجمه پرینا صیادی، تهران، انتشارات ققنوس.
- چامسکی، نوام و پایه، ایلان (۱۴۰۲). درباره فلسطین، ترجمه محسن عسکری جهقی، تهران، نشر نالت.
- چامسکی، نوام (۱۹۸۳). مثلث سرنوشت ساز: ایالت متحده، اسرائیل و فلسطینی ها، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- حاتمی، محمدرضا و ثمری، محمدرضا (۱۳۸۹). مسائل خاورمیانه، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- حسینی، نوین (۱۳۸۰). اسرائیل در صلح با جهان عرب، تهران، انتشارات بسیج منطقه ۳.
- حیدریان، مهدی؛ محرابی، علیرضا (۱۴۰۴). تبیین ژئوپلیتیک مقاومت در خاورمیانه با تأکید بر اسرائیل و فلسطین، چهارمین کنگره بین المللی دانشجویان حقوق، علوم سیاسی و علوم اجتماعی، ۱۱-۱.
- خالدی، رشید (۱۴۰۳). صدسال جنگ بر سر فلسطین، تهران، موسسه فرهنگی هنری جهان کتاب.
- خالدی، رشید (۲۰۰۶). قفس آهنین: داستان مبارزه فلسطینی ها برای تشکیل دولت، کلمبیا، انتشارات بیکن.
- خان، محمدرضا سن (۱۴۰۲). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و تحولات جدید در جبهه مقاومت، دانش سیاسی، ۱۹ (۲)، ۲۰-۳۵.
- رستم زاده خسروشاهی، رضا (۱۳۹۱). ایدولوژی سیاسی حماس، تهران، انتشارات ساقی.
- رشیدی نژاد، احمد (۱۴۰۴). ژئوپلیتیک بیداری؛ از نکبت تاریخی تا مقاومت جهانی، یادداشت سیاست روز، کد مطلب ۱۳۵۱۶۷.
- رکابیان، رشید؛ پادروند، مهدی؛ عزتی، محسن (۱۴۰۳). طوفان الاقصی و تأثیرات آن بر بحران امنیتی و سیاسی اسرائیل، سیاست پژوهی جهان اسلام، ۱۱ (۱)، ۶-۲۳.
- سعید، ادوارد (۱۴۰۳). فراتر از واپسین آسمان، ترجمه حامد شهدیان، تهران، انتشارات هرمس.
- شاپوری، مهدی (۱۴۰۱). محور مقاومت: جمهوری اسلامی ایران و نظم منطقه ای، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- صدرالدین کرمی، محمد مهدی (۱۴۰۱). سرنوشت فلسطین، تهران، انتشارات کتابستان معرفت.
- صلح میرزایی، سعید (۱۳۹۸). اندیشه مقاومت از منظر حضرت آیت الله خامنه ای، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.
- عطارزاده، مجتبی (۱۴۰۳). یمن؛ حمایت از فلسطین در رویای ژئوپلیتیک مقاومت اسلامی با نظام سلطه، آفاق امنیت، ۱۷ (۶۳)، ۶۶-۴۱.
- فشاهی، مرجانه (۲۰۲۳). نگرش تاریخی به چپ در فلسطین و اسرائیل، تهران، انتشارات مردم نگار.
- قاسمی، بهزاد (۱۳۹۶). ژئوپلیتیک مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس گفتمان مقاومت، آفاق امنیت، ۱۱ (۳۸)، ۱۱-۱۹.
- قطب الدینی، عباس و ذاکری، سید قاسم (۱۳۸۶). خاورمیانه ۱: ویژه مسائل و چالش های خاورمیانه، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابزار معاصر تهران.
- کارتر، جیمی (۲۰۰۶). فلسطین: صلح نه آپارتاید، تهران، انتشارات نشر ثالث.
- کالینز، جان ام (۱۳۸۴). جغرافیای نظامی (جلد اول)، ترجمه محمدرضا آهنی و بهرام محسنی، تهران، انتشارات دانشگاه جامع امام حسین.
- لطفی، مهدی؛ شیرخانی، علی؛ جاودانی مقدم مهدی (۱۴۰۳). جریان های مقاومت در غرب آسیا و چالش نقش رهبری ایران در محور مقاومت، سپهر سیاست، ۱۱ (۱)، ۷۱-۹۰.
- متقی، افشین و عبدالله پور، محمدرضا (۱۳۹۹). نگرشی نو به ژئوپلیتیک خاورمیانه، تهران، انتشارات انجمن ژئوپلیتیک.
- محمدی، حمیدرضا و ناصرپور، محسن (۱۳۹۸). جغرافیای مقاومت و بنیان های ژئوپلیتیک ایران، تهران، انتشارات اسرار دانش.
- میرشایمر، جان (۲۰۰۹). لابی یهود و رئالیسم تهاجمی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق.
- موسسه فرهنگی حدیث لوح و قلم (۱۴۰۲). کتاب روبه پایان، تهران، ناشر انقلاب اسلامی.
- موسوی، سید محمدرضا؛ جعفری فر، احسان (۱۴۰۳). تاثیر محور مقاومت در تغییر راهبردها و توازن قدرت در منطقه غرب آسیا، مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۶ (۲۲)، ۳۰۹-۳۳۲.
- هدایتی شهیدانی، مهدی و بابایی، محمدرضا (۱۳۹۹). محور مقاومت، تهران، انتشارات اندیشه سازان نور هروب، خالد (۲۰۰۶). حماس: راهنمای مبتدیان، ویرایش دوم، انتشارات پلوتو، بریتانیا.